

فخری سادات مشهدی، شهروند پیگیر محله ۱۷ شهریور، بیش از ۱۵۰ تماس ثبت شده در ۱۳۷ دارد

الو، سلام بچه‌ها



راه تجربه

سمیرا منشادی | صدایش که پشت خط مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ می‌پیچد، شهردار منطقه ۷ و همه معاونان و رؤسای اداره‌ها و اورامی شناسند. فخری سادات مشهدی، زنی مطالبه‌گر است که از ۳۷ سال قبل در محله ۱۷ شهریور ساکن است. تماس‌های او برای رفع مشکلات محله و حتی شهروندان است. او برای رفع مشکل مدنظرش آن قدر پیگیری می‌کند تا نتیجه مطلوب حاصل شود.

تکیه کلامش هنگامی که می‌خواهد با کاربران ۱۳۷ شروع به صحبت کند «سلام بچه‌ها» است و در پایان هم می‌گوید: مادر جان چه حدودی زمان لازم است تا کار انجام شود؟ بچه‌ها پیامک پیگیری را برایم ارسال کنید. آنچه که ما را پای گفت‌وگو با فخری خانم کشاند تماس‌ها و پیگیری‌هایش است. او بیش از ۱۵۰ تماس ثبت شده از سال ۱۳۹۲ تا امسال دارد. برای هر تماس ثبت شده هم بیش از پنج بار پیگیری کرده است.

● دل‌سوز محله

شاید برای شما هم سؤال باشد که چرا فخری خانم مدام با سامانه ۱۳۷ تماس می‌گیرد و پیگیر رفع مشکلات محله است. حالاً بشنوید پاسخ فخری خانم را: راستش محل زندگی و اهالی محله ام‌رادوست دارم. دلم می‌خواهد مشکل حل نشده‌ای نه تنها در محله مان که هیچ‌کجای شهر نباشد. می‌خواهم شهر و محله‌ای زیبا و با کمترین عیب و نقص داشته باشیم. به همین خاطر وظیفه خودم می‌دانم که مشکلات رابه گوش مسئولان برسانم تا رفع شود.

فخری خانم مشهدی معتقد است برخی از اهالی نمی‌دانند برای رفع مشکلات محله باید با چه کسی یا نهادهای تماس بگیرند در حالی که می‌شود با یک تماس و پیگیری کوچک بسیاری از مشکلات را برطرف کرد.

● اولین آشنایی با ۱۳۷

اولین تماسی را که با ۱۳۷ گرفته خوب به خاطر دارد: سال ۱۳۹۲ بود. بهشت رضا^(ع) رفته بودم و اتوبوس‌ها حرکت نمی‌کردند. تعداد اتوبوس‌های آن مسیر کم بود و سرفاصله زمانی زیاد. رفتم و به اتوبوس‌ران‌ها اعتراض کردم. آن‌ها گفتند اگر مشکلی هست می‌توانم با شماره ۱۳۷ تماس بگیرم. از آنجا با این سامانه آشنا شدم. او در کنار چندین بار تماس با این سامانه حتی پیش اعضای شورای شهر رفته است تا این موضوع اصلاح شود.



● پیگیر مثل فخری خانم

تصور نکنید او بعد از تماس بلافاصله به کارشناسان سامانه وصل می‌شود. فخری خانم گاه بیست دقیقه و بیشتر پشت خط منتظر می‌ماند: گاهی تماس می‌گیرم، اپراتور اعلام می‌کند به طور مثال نفر چهاردهم هستم. می‌روم غذا برایم را می‌گذارم، جای دم می‌کنم، حتی برای خودم چای می‌ریزم، هنوز نوبتم نشده است. اما این باعث نمی‌شود که ناامید یا خسته بشوم.

از سوی دیگر تمام تماس‌های این شهروند دل‌سوز به نتیجه نمی‌رسد به طور مثال مسئولان می‌گویند فعلاً اعتبار برای آسفالت نیست. یا می‌گویند زمان انجام هرس درختان نیست و...

نوجوان رزمی‌کار محله امام رضا^(ع)
از عجیب‌ترین خاطره ورزشی‌اش می‌گوید

عبور از تونل موفقیت



امید محله

● الگوی ورزشی‌ات کیست؟

جهان پهلوان تختی را الگوی خودم می‌دانم. چون در ورزش رزمی خیلی باید حواست جمع باشد که در حین مبارزه از کنترل خارج نشوی و جلوی خشم خودت را بگیر. در واقع فقط به فکر برنده شدن نباشی بلکه به حریت احترام بگذاری. این چیزی است که پهلوان تختی در عمل نشان داد.

● چه خاطره ورزشی‌ای داری؟

عجیب‌ترین و در عین حال خنده‌دارترین خاطره‌ام مربوط به مراسم تعویض کمر بند بود. طبق رسم باشگاه، باید از تونلی که بچه‌ها با ایستادن کنار هم درست کرده بودند رد می‌شدم. در حالی که آن‌ها با کمر بند هایشان ضربه‌ای دوستانه می‌زدند. وقتی به انتهای تونل رسیدم، کمر بند جدیدم را برمی‌داشتم و به استاد می‌دادم تا آن را برابریم ببندد.

● به جز ورزش چه فعالیتی داری؟

از کودکی در هیئت‌های مذهبی و مساجد نزدیک خانه مثل مسجد چهارده معصوم^(ع) و مسجد حضرت محمد^(ص) حضور داشتم. حالا دو سال است که در بخش تنظیم و راه‌اندازی سیستم صوتی هیئت‌ها فعالیت می‌کنم و این کار را به صورت حرفه‌ای یاد گرفته‌ام و حتی با شهرداری منطقه ۸ هم در این زمینه همکاری دارم.

● اوقات فراغت را چگونه می‌گذرانی؟

چون سال آخر دبیرستان هستم، بیشتر تمرکز را روی درس گذاشته‌ام تا بتوانم در کنکور رتبه قبولی دانشگاه فرهنگیان را به دست بیاورم.

در فوتسال بیشتر با پارک‌های کئی، اما این‌جا از تمام بدن استفاده می‌شود. حرکاتش ترکیبی از تمرکز و سرعت است و همین‌را دوست دارم.

● الان در چه سطحی هستی؟

در حال حاضر کمر بند کیو ۶ و سطح بنفش دارم. گرفتن کمر بند مشکلی در این ورزش کار آسانی نیست و هر مرحله تمرین، صبر و تلاش زیادی می‌خواهد.

● حضور در مسابقات برای تو چگونه بود؟

اولش آشنایی زیادی نداشتم اما به مرور یاد گرفتم نمی‌توانم ضربات را بدون فکر زدن باید حرکت بعدی حریت را آنالیز کنی درست مثل بازی شطرنج و سپس در لحظه‌ای کوتاه تصمیم بگیری چه حرکتی انجام دهی. اگر از قبل بازی‌های او را دیده باشی مسلط‌تر به حریت هستی.



نجمه موسوی زاده همه چیز از یک توپ پلاستیکی در کوچه شروع شد. ظهرهای داغ تابستان، وقتی بچه‌های محله امام رضا^(ع) برای فوتبال در کوچه جمع می‌شدند، الیاس وفايي هم میانشان بود. پسر بچه‌ای پرانرژی که عاشق گل زدن و دویدن دنبال توپ بود. گل کوچیک و فوتبال با هم محله‌ای‌ها کم‌کم جدی‌تر شد و او را همراه با دوستانش به سالن ورزشی کشاند تا این بار فوتسال را حرفه‌ای یاد بگیرد. اما هر قدر پیش می‌رفت، حس می‌کرد چیزی در درونش کم است، انگار به دنبال هیجانی عمیق‌تر بود تا اینکه یک

روز به تماشای مسابقات جو جیتسورفت. همان لحظه، تصمیم گرفت مسیر تازه‌ای را آغاز کند. حالا الیاس، نوجوان هفده ساله محله امام رضا^(ع)، دوم‌ال استانی مقام دوم و سوم در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ در رشته جو جیتسورفت دارد.

● چه مدت فوتسال بازی می‌کردی؟

از ۹ سالگی شروع کردم و حدود سه سال به صورت حرفه‌ای در تیم باشگاهی بازی می‌کردم. مسابقات زیادی شرکت کردم و تجربه‌اش برایم مفید بود، اما بعد حس کردم دنبال هیجان بیشتری هستم.

● چگونه شد سراغ جو جیتسورفتی؟

وقتی برای اولین بار مسابقه جو جیتسورفت دیدم، جذبش شدم. این ورزش، هم قدرت بدنی و هم دقت می‌خواهد.